

# سفر قهرمان

جوزف کیمبل

درباره‌ی زندگی  
و آثارش

ترجمه‌ی عباس مخبر



نشر مرکز

Joseph Campbell  
**The Hero's Journey**  
Joseph Campbell on his Life & Work

**سفر قهرمان**

جوزف کمبل درباره‌ی زندگی و آثار:

ترجمه‌ی عباس مخبر

ویرایش: تحریریه‌ی نشر مرکز

حروفچینی، نمونه‌خوانی، صفحه‌آرایی: شمس‌الرضا نشره‌گز

طرح جلد: فریبا معزی

چاپ اول ۱۳۹۸، شماره‌ی نشر ۱۳۱۸، ۱۲۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۱۳-۴۳۰-۴

نشر مرکز: تهران، خیابان دکتر فاطمی، روبه‌روی هتل لالا، خیابان باطاهر، شماره‌ی ۸

تلفن: ۳-۸۸۹۷۰۴۶۲ فاکس: ۸۸۹۶۵۱۶۹

Email: info@nas-e-markaz.com

 nasemarkaz

همه‌ی حقوق چاپ و نشر این ترجمه برای نشر مرکز محفوظ است.  
تکثیر، انتشار و بازنویسی این اثر یا قسمتی از آن به هر شیوه، از جمله فتوکپی، الکترونیکی، ضبط و ذخیره در سیستم‌های بازیابی و پخش بدون دریافت مجوز قبلی و کتبی از ناشر ممنوع است.  
این اثر تحت حمایت «قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ایران» قرار دارد.

● سرشناسه کمبل، جوزف، ۱۹۰۴ - ۱۹۸۷ م. Joseph Campbell ● عنوان و نام پدیدآور سفر قهرمان: جوزف کمبل درباره‌ی زندگی و آثارش/ جوزف کمبل، ترجمه‌ی عباس مخبر. ● مشخصات ظاهری نشر، ۳۶۲ ص:، مصور. ● یادداشت عنوان اصلی: The hero's journey : Joseph Campbell on his life and work, c1990. ● موضوع اسطوره‌شناسان -- ایالات متحده -- مصاحبه‌ها-اسطوره. ● شناسه‌ی افزوده مخبر، عباس، ۱۳۲۲ - مترجم. ● رده‌بندی کنگره ۱۳۹۷ ۷۳۸/۴-BL۲ ● رده‌بندی دیویی ۲۹۱/۱۳ ● شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی

# فهرست

|     |                               |
|-----|-------------------------------|
| ۱   | پیشگفتار                      |
| ۷   | پیشگفتار بر روی یک سالگی کمبل |
| ۱۵  | پیش درآمد                     |
| ۳۱  | سپاسگزاری ویراستار            |
| ۳۵  | فصل اول: دعوت به آغاز سفر     |
| ۶۱  | فصل دوم: جاده‌ی آزمون‌ها      |
| ۱۰۷ | فصل سوم: چشم‌انداز جستجو      |
| ۱۴۳ | فصل چهارم: دیدار با الهه      |
| ۱۸۹ | فصل پنجم: موهبت               |
| ۲۲۵ | فصل ششم: فرار جادویی          |
| ۲۷۱ | فصل هفتم: آستانه‌ی بازگشت     |
| ۲۹۷ | فصل هشتم: ارباب دو دنیا       |
| ۳۴۱ | مؤخره: ببر و بز               |
| ۳۴۱ | آثار جوزف کمبل                |
| ۳۴۹ | کتابشناسی                     |
| ۳۵۵ | نمایه                         |

## پیشگفتار



عاطفه اغلب روان بن مکان را عصبی می‌کند. «جوزف کمبل به نوعی جایگزین نیاز شما به یک مربی محاسبه‌داری دارد.» این حرف روانکاو برجسته‌ای از دوستان من بود که در آغاز پژوهش‌هایم به من اطمینان داد بهترین بخش‌های جوزف کمبل در فیلم و تیزرین به یادگار خواهد ماند. این رؤیا در سال ۱۹۸۷ با تولید فیلم یک‌ساعته، سه دهه بعد از آن تحقق یافت و کتابی که در دست دارید از همین فیلم برآمده است.

علاقه داشتن به چیزی غیر از ورزش و کاپس اغلب پرسبتری‌های<sup>۱</sup> میدوست<sup>۲</sup> را عصبی می‌کند و والدین سالخورده‌ای من، هر دو، می‌توانستند آسوده‌تر باشند اگر این «علاقه به کمبل» جای خود را به حمایت فعال من از یک کلیسای محلی می‌داد، یا به فعالیت‌های پزشکی مرا، یا به مالی خود توجه بیشتری می‌کردم.

از آنجا که گوش ندادن به آموزگاران و والدین رفتار پسندیده‌ای نیست، من از همان آغاز تعلق خاطر طولانی و پیچیده‌ام به جوزف کمبل سعی کردم با او مثل یک چهره‌ی آئینی برخورد نکنم، و دوستان خوب و بی‌اعتقادی هم داشتم که به من اطمینان دادند اندیشه و احساس شخصی خود را حفظ کرده‌ام.

---

۱. presbyterian پرسبترینیسم از مذاهب متداول مسیحیت و شاخه‌ای از سنت اصلاحی در

پروتستانتیسم. م

۲. Midwest: غرب میانه‌ی آمریکا. و

اما هنگامی که سعی می‌کنم منصفانه به آن سال‌ها نگاه کنم، تجربه‌ی آن بیشتر به چیزی شبیه به عشق شباهت پیدا می‌کند. البته نه مشخصاً عشق به کمبل، بلکه آنچه برای دیگران اتفاق می‌افتد وقتی او را می‌بینند یا می‌شنوند. لذت و رشد آن‌ها همان چیزی بود که باعث شد من به مدت بیش از ده سال روی این پروژه کار کنم. البته آگاهی بر آنچه در مواجهه با کمبل برای دیگران اتفاق می‌افتاد، همپای تجربیات خود من آغاز شد.

در سال ۱۹۷۲، در ۳۹ سالگی، یک فرصت مطالعاتی نصیب شد تا پژوهش را روی پروژه‌ای در زمینه‌ی آدمکشی تکمیل کنم. در حالی که در کتابخانه مشغول مطالعه بودم، دریافتم که نخستین گزارش‌های مکتوب شناخته‌شده درباره‌ی شناسایی آثار اسطوره‌شناختی هستند، و با کمال تعجب متوجه شدم ماجراهای مربوط به خانگی که در اسطوره‌های کهن توصیف شده‌اند شباهت شگفتی با الگوهای حشمت خانگی در زندگی آمریکایی معاصر دارند. به این ترتیب، شروع به مطالعه‌ی کتاب چهارجلدی **نقاب‌های خدای جوزف کمبل** کردم. وقتی کار را به پایان دادم، متوجه شدم که کمبل به طرز جالبی میراث‌های بشری را در عرصه‌ی نمادین، روان‌شناختی، معنوی و هنری به یکدیگر پیوند داده است، آن هم به شیوه‌ای که سپاهی از دانشمندان از داروین به بعد انجام می‌دادند تا الگوهای زیست‌شناختی را درک کنند. در این مسیر، کاری که کتاب‌های او با من کردند چیزی جز تغذیه‌ی ذهن بود. وقتی آن‌ها را تمام کردم درباره‌ی خودم و جهان به گویای دیگری می‌اندیشیدم. احساس راحتی کردم. می‌خواستم از آنچه کمبل برای گفتن دارد بیشتر بدانم، و مثل بسیاری دیگر درباره‌ی خود انسان هم کنجکاو بودم. هرچه بیشتر می‌خواندم، شوق بی‌پایانم به دیدن وسعت دید پژوهشی کمبل و ظرفیتش برای ترکیب مداراگرانه‌ی اسطوره‌های جهان و ارائه‌ی آن به مخاطبانی خارج از حوزه‌ی مطالعات دانشگاهی بیشتر می‌شد.

آن‌ها فکر می‌کردند پسندیده نیست که دسته‌جمعی پیش بروند.

هریک از آن‌ها در لحظه‌ای که خودش انتخاب کرد وارد جنگل شد. درحالی‌که همه‌جا تاریک بود و راهی وجود نداشت. هر جا مسیری هست، مسیر شخصی دیگر است. هر انسانی یک پدیده‌ی منحصر به فرد است.

جوزف کمبل، الهه‌ها: رازهای ملکوت زنانه

پس من خودم کارشناس تلویزیون نبودم، گرگ اسپارلین<sup>۱</sup> را به همکاری دعوت کردم. کمبل در آغاز پیشنهاد ما را برای انتقال کارش به رسانه‌ی تلویزیون رد کرد، اما نظرش این بود که رسانه‌ی مناسب برای آن کتاب است. من دیدیم که او آغاز کردم تا به این کار ترغیبش کنم، اما هنگامی که سرانجام همکاری را با او آغاز کردم، اطمینان داشتم که می‌توانیم دیگران را نیز به فراخور در معرض فضیلت و حال او قرار دهیم و آنها نیز تعمیق روح خود را احساس کنند. در آن زمان برایم مهم نبود که افراد اندک‌شماری با این باور موافق‌اند.

مثل بسیاری پروژه‌های خلاق دیگر، در آغاز خطاهای زیادی داشتیم. در اواخر سال ۱۹۸۱ روزی به‌روز بیشتر نگران سلامت جو می‌شدم، زیرا ظرف مدت شش ماه دو حمله‌ی شدید ذات‌الریه را از من گذرانده بود. درحالی‌که خوب به نظر می‌رسید و مثل همیشه شیوا سخن می‌گفت، پزشک درون من نگران بود. جو به هشتادسالگی نزدیک می‌شد و هنوز گردش تصویری درستی از او و کارش تهیه نشده بود. بله، کتاب‌های مهمی منتشر کرده بود، اما همان‌طور که جورج لوکاس<sup>۲</sup> بعدها گفت، من احساس می‌کردم نوعی نیروی زندگی از او بیرون می‌ریزد که باعث می‌شود مخاطبانش فعالانه سلوک معنوی خود را آغاز کنند. با نوعی احساس شدید فوریت، تلاش‌هایم را چند برابر کردم.

1. Greg Sparlin

۲. سازنده‌ی دوره‌ی فیلم‌های جنگ ستارگان. و.

فیلمبرداری رسمی *سفر قهرمان* در ژانویه سال ۱۹۸۲ در اسالن<sup>۱</sup> در بیگ سور کالیفرنیا آغاز شد. با همکاری تهیه‌کننده، بیل فری، گروه متنوعی تشکیل دادم شامل دوست نزدیک جو، رابرت بلای شاعر، تا برنده‌ی جایزه‌ی نوبل روژه گیمن، تازن جوانی که حتی نام کمبل را نشنیده بود. امیدم این بود که ترکیب این افراد، مهارت‌های دیوید کنارد کارگردان، زیبایی و میراث آن محیط، و زندگی شگفت‌انگیز و انرژی ویژه‌ی جوزف کمبل، مبنای مناسبی برای فیلم ما باشد. بیشتر مطالبی که در این کتاب خواهید دید، مربوط به گنج‌خواهی است که در اسالن فیلمبرداری شده است.

حدود چهار ماه بعد که مشغول تدوین فیلم و بررسی نسخه‌ها بودیم، مردی که فکر می‌کرد یک ندای بی‌وقته‌ی درونی دیدم. نداهای درونی حتی اگر به من می‌گفتند «و حالا خود را دنبال کن» چیزی نبودند که من به آن‌ها عادت داشته باشم. اما این ندا به من می‌گفت «ویدیوی دوره‌ی سخنرانی‌های آینده‌ی جو را تهیه کن، چون آخرین سخنرانی‌های او خواهد بود.» متأسفانه همین‌طور بود.

بعضی آدم‌ها در موقعیت‌های غیررسمی و در شرایط استراحت در بهترین حالت خود هستند. اولین نسخه‌ی فیلم ما به یادماندنی از این برداشت‌ها بود. اما هرچه بیشتر روی آن کار کردیم، برایمان روشن شد که کمبل هنگامی که موضوع بحث را خودش انتخاب می‌کند در بهترین حالت قرار دارد؛ هنگامی که می‌توانست از مطالبی حرف بزند که ده‌ها سال در سخنرانی‌هایش مطرح کرده بود.

در فاصله‌ی سال‌های ۱۹۸۲ تا اوایل ۱۹۸۵ یک گروه تولید کمبل را در سراسر کشور دنبال و از آخرین تور سخنرانی‌های مهم او ویدیو تهیه کرد. ما «روان و نماد» را در تائوس نیومکزیکو، «تحولات اسطوره در طول زمان» را در سانتافه، «فلسفه‌ی جاودان‌خرد: هندویسم و بودیسم» را در تاتار اوپن‌آی

۱. Esalen: استراحتگاه وسیعی با امکانات تحقیقاتی که دو دانش‌آموخته‌ی دانشگاه استنفورد در سال ۱۹۶۲ برای پژوهش در علوم انسانی تأسیس کردند. و

همسرش جین اردمن در نیویورک، «روش غربی: افسانه‌های آرتوری» و «جستجو برای جام مقدس» را در تالار تئاتر هنرهای زیبا در سانفرانسیسکو و «اسطوره‌شناسی‌های معاصر: جیمز جویس و توماس مان» را در انجمن تاریخ کالیفرنیا در سانفرانسیسکو ضبط کردیم. حالا گنجینه‌ای پنجاه‌ساعتی از قوی‌ترین سخنرانی‌های کمبل را برای همیشه در اختیار داریم. از آن به بعد دیگر آن صدا را نشنیده‌ام.

گروه تولید و من کمبل را در اطراف کشور دنبال می‌کردیم. پس از سخنرانی‌ها و سمینارهای او مردم پیش من می‌آمدند و می‌پرسیدند «این کمبل کیست؟ چه نی‌چنین آدمی شده است؟» کنجکاوی پیوسته‌ای درباره‌ی این که او کیست و محذوب شدن به او و اندیشه‌هایش در میان مخاطبان وجود داشت. همین روشها بود که انگیزه‌ای شد برای تدوین نسخه‌ی نهایی نخستین فیلم و برنامه‌ایت تولید این کتاب.

استراتژی نهایی ما برای فیلم این بود که اجازه دهیم بیننده درحالی که داستان زندگی جو کمبل را می‌بیند، به صورت ناخودآگاه، زندگی خودش را تحلیل کند؛ مراسم تشرف شخصی خودش را، شناخت اهمیت وحدت با طبیعت را، و نیاز به یافتن راه خاص خود را. خلاصه این که بیننده می‌بایست مسیری را که جو کمبل زندگی کرد و با چنین مذاکره در درازنای دوران کارش به نمایش درآورد، در قالب تصاویر و داستان‌ها تک‌گویی‌ها و تعامل‌هایی که ما به فیلم درآورده بودیم کشف کند. برای من نقطه‌ی اوج فیلم، مهمانی شامی بود که سال ۱۹۸۵ در مراسم اعطای جایزه به کمبل در باشگاه هنرهای ملی نیویورک برگزار شد و در آن از کمبل به‌خاطر همش در پیشبرد ادبیات تقدیر شد. فیلم ما می‌توانست فقط گزیده‌های کوتاهی از گواهی جورج لوکاس، ریچارد آدامز، جیمز هیلمن و دیگران را در خود جای دهد، و متأسفانه مجبور شدیم سخنرانی درخشان کمبل پس از دریافت جایزه را نیز کوتاه کنیم. خوشبختانه این کتاب به ما امکان داد که پوشش کامل‌تری از آن شب به‌یادماندنی ارائه دهیم و مطالب ارزشمندی را که محدودیت زمان فیلم باعث حذف آن‌ها از فیلم شد در اینجا پوشش دهیم.

جو همواره احساس می‌کرد اندیشه‌هایش مهم‌تر از شخص اوست. در ساختن فیلم و تدوین این کتاب سعی کردیم به او اطمینان دهیم که کار مطابق میلش پیش خواهد رفت - و این که اندیشه‌هایش با همان وضوحی که او می‌توانست آن‌ها را تولید کند به صدا درخواهند آمد.

در بهار سال ۱۹۸۷ روایت فیلم از *سفر قهرمان: دنیای جوزف کمبل* اولین بار در شرق آمریکا در موزه‌ی هنرهای مدرن و در غرب آمریکا در تئاتر مجن صنفی کارگردانان به نمایش گذاشته شد. در این کتاب، قسمت‌هایی از آخرین حضور عمومی او در نمایش افتتاحیه‌ی غرب آمریکا پوشش داده شده است. وی در شرایطی که به گفته‌ی خودش به مرگ نزدیک می‌شد، به ارائه‌ی 'ملاءات' اندیشه‌های تازه به مخاطبان‌اش ادامه می‌داد. بسیار تلخ بود که من شاید آخرین تسویق‌های جو توسط جمعیت به پا ایستاده بودم. او چهار ماه بعد درگذشت.

پس از بازنگری‌های فراوان و حذف قسمت‌هایی از فیلم، از فیل کوزینو که دستیار تهیه‌ی فیلم بود و هم‌اکنون با همکاری تولید، جانل بالینیک، فیلمنامه را نوشته بود درخواست کردم که این کتاب را تدوین کند. من همواره تحت تأثیر سهم خلاق و مهم او در همه‌ی جنبه‌های فیلم و ارادت فراوانش به جو و جین کمبل بودم، و می‌دانستم که آن‌ها نیز به استعداد دانش او در حوزه‌های اسطوره و زندگی صحنه می‌گذاشتند، قدر دانش به دست آمده استعدادهای عمیق او را تحسین می‌کردند.

در سال ۱۹۸۸، پخش فیلم *سفر قهرمان: دنیای جوزف کمبل* به مجموعه‌ی شش قسمتی بیل مویرز با عنوان *جوزف کمبل و قدرت اسطوره* از شبکه‌ی تلویزیون PBS به نوعی انفجار و واکنش گسترده منتهی شد. به نظر من، این سیلان علاقه به جوزف کمبل تأییدی است بر این که او با همه‌ی ما حرف می‌زند.

استوارت ال. براون